

تحلیل اجتماعی مزاحمت‌های خیابانی و واکنش‌های
انفعالی دختران نسبت به آن

(مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه مازندران)
Social Analysis of the Street Harassment and
the Passive Reactions to it (Case Study:
Female Students of Mazandaran University)

Tahere Lotfi Khachaki¹, Mohammad Esmaeil Riahi²

طاهره لطفی خاچکی،* محمد اسماعیل رباحی**

Introduction: There has been violence against females since a long time ago in different communities irrespective of social status, religion and race. Street harassment is a form of violence against females by strangers outside of the family in public places. It is one of the obvious aspects of sexual harassment in the public in which women are sexually humiliated. This type of violence leads to various negative consequences for both victim women (such as increasing physical and mental disorders) and society (deprivation of women's aptitudes and capabilities). Regarding to the fact that most of researches in this field have investigated on the domestic violence which implemented by males (husbands) the street harassment has been neglected. In spite of the slump of the academic circle in the past decades, street harassment has been highly considered in recent years. Although many researchers in different countries of the world recognized the importance of this

مقدمه: خشونت علیه زنان از دیرباز در جوامع مختلف صرف نظر از هر گونه طبقه، مذهب و نژاد وجود داشته است. یکی از اشکال خشونت علیه زنان که توسط افراد غریبه، در بیرون از محیط خانواده و در مکانهای عمومی رخ می‌دهد، مزاحمت‌های خیابانی است. مزاحمت‌های خیابانی به‌عنوان نوعی از خشونت علیه زنان که جنسیت زن را مورد تحقیر قرار می‌دهد، یکی از آشکارترین جنبه‌های آزار جنسی در سطح عمومی جامعه است. این نوع از خشونت، می‌تواند پیامدهای منفی متعددی هم برای زنان قربانی (به شکل افزایش آسیبها و اختلالات جسمی و روانی) و هم برای جامعه (به شکل محروم شدن از فعالیتهای اجتماعی زنان) به‌همراه داشته باشد. با توجه به اینکه بخش اعظم تحقیقات انجام شده داخلی در حوزه خشونت علیه زنان، به خشونت‌های خانگی اعمال شده توسط شوهران پرداخته‌اند، به موضوع مزاحمت‌های خیابانی و جنسی، توجه کمتری شده است.

۱. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طاهره لطفی خاچکی با همین عنوان برگرفته شده است.

* دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

** دکترا جامعه‌شناس، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول)،

<m.riahi@umz.ac.ir>

1. M.A student in Sociology

2. Ph.D in Sociology, <m.riahi@umz.ac.ir>

problem and therefore it is now the subject matter of numerous studies. In spite of high prevalence of street harassments in our country, a few studies has been conducted in this regard yet. However, the findings of some studies in several cities such as Tehran, Mashhad, Kerman, Gorgan, Shiraz and Sanandaj point out that the street harassment is been spread in Iran. The objective of this research is social analysis of the street harassments toward females as well as their passive reactions to it.

Method: The study is done by implementing quantitative method by using survey. Statistical population of the study is 6399 of the female students of Mazandaran University which 362 students have been chosen by stratified random sampling method. Data has been collected through self-administered questionnaire and data were analyzed by SPSS software.

The rates of victims of street harassments as well as the passive reaction to these harassments were considered as dependent variables. These variables measured with an investigator-made scale based on 22 and 18 questions, respectively. The reliability coefficient for two above mentioned scales were 0.890 and 0.760 which are indicating high internal consistency of these scales. Furthermore, acceptance of gender roles stereotypes, acceptance of patriarchal values, and social learning of passive reaction has been treated as independent variables. To analyze the collected data, SPSS has been applied.

مزاحمت‌های خیابانی با وجود سکوتی که سالها بر محافل علمی حاکم بود، در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. محققان و پژوهشگران خارجی در کشورهای مختلف دنیا به دنبال شناخت علمی این مسأله برآمده‌اند. اما در داخل کشور تحقیقات انجام شده در این زمینه بسیار اندک است. نظر به شیوع مزاحمت‌های خیابانی در برخی شهرهای کشور مانند تهران، مشهد، کرمان، گرگان، شیراز و سنندج، هدف از انجام این پژوهش، تحلیل اجتماعی مزاحمت‌های خیابانی نسبت به دختران و واکنش‌های منفعلانه‌ای که آنها به این مزاحمت‌ها نشان می‌دهند، است.

روش: این پژوهش با روش کمی انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه ۶۳۹۹ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه مازندران هستند که ۳۶۲ نفر از میان این دانشجویان، با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده متناسب و تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه بوده است و داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که بیشترین پاسخگویان، دانشجویان دختر جوان (میانگین سنی ۲۲.۱ سال)، ساکن خوابگاه دانشجویی و در مقطع کارشناسی بوده‌اند. این پاسخگویان بیشتر متعلق به خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین و متوسط بوده‌اند. به علاوه، ۹۷.۴ درصد از پاسخگویان نوعی از مزاحمت خیابانی در طول یک سال گذشته را تجربه کرده‌اند، در حالیکه ۱۴.۱ درصد از آنها مزاحمت خیابانی را روزانه گزارش کرده‌اند.

Findings: The findings of the study indicated that the respondents mainly were young girls (average age 22.1 years old), residents of dormitories, unmarried, and undergraduate students. These respondents mainly belong to low and medium socio-economic status families. Furthermore, 97.4 percent of respondents experienced one type of street harassments during last year, while 14.1 percent of them reported daily street harassments. Patterns of harassment show that harassers were mainly young men (under 29 years old) which harassed their victims mostly in the places such as streets, parks and markets at the time of between evening and night.

Discussion: According to the findings of the study, the street harassment is happening in the different times and places irrespective of the age of the victim women. Moreover, acceptance of patriarchal values may cause to more passive reactions by victims. These findings are in line with radical feminist theory which emphasize on the process of female monitoring by male. Radical feminist theorists aim to analyze the men violence against women, and try to unveil the fact that patriarchal values conceal men violence against women, hide it, or inculcate women for being under violence. In this theory point of view perpetration of violence against women and women's passive reaction toward sexual taunts shows that women are suppressed in a patriarchal system.

الگوهای ایجاد مزاحمت نشان می‌دهد که مزاحمان، مردان جوان (زیر ۲۹ سال) هستند که قربانیان‌شان را اغلب در مکان‌هایی مثل خیابانها، پارکها، بازارها و در زمان بین عصر تا شب مورد مزاحمت قرار می‌دهند. بحث: طبق یافته‌های پژوهش حاضر، مزاحمت‌های خیابانی بدون در نظر گرفتن سن قربانی، و در زمانها و مکانها مختلف صورت می‌گیرد و پذیرش ارزشهای مردسالارانه موجب واکنش انفعالی‌تر به این مزاحمتها می‌شود. این یافته‌ها، همسو با نظریه فمینیسم رادیکال است که در آن بر روی چگونگی نظارت مردان بر زنان و همچنین به‌کارگیری خشونت علیه آنان تأکید می‌ورزد. هدف اغلب پژوهشهای رادیکال فمینیستی تحلیل خشونت مردان نسبت به زنان است و پرده‌برداری از این واقعیت که ارزشهای مردسالارانه، این خشونت را پنهان می‌کنند، کم‌اهمیت جلوه می‌دهند یا گناهش را به گردن زنان می‌اندازند. طبق این نظریه، خشونت علیه زنان و عکس‌العملهای منفعلانه زنان در رابطه با متلکهای جنسی، نشان می‌دهد زنان در یک نظام مردسالار سرکوب شده‌اند. علاوه بر این، میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط زنان و دختران بر واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی تأثیری ندارد. طبق آزمون همبستگی پیرسون، متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با متغیر واکنش به مزاحمت‌های خیابانی همبستگی معنادار دارد، ولی نتایج تحلیل رگرسیون، نشان داد که با افزایش پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی، میزان واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی، افزایش نمی‌یابد و افرادی که مطابق کلیشه‌های نقش جنسیتی خود عمل می‌کنند، واکنش انفعالی‌تری را در مقایسه با سایر زنان و دختران، نشان نمی‌دهند.

Furthermore, the rate of "acceptance of sexual role's stereotypes" by young girls and women in this study had no impact on the passive reaction toward the street harassments. According to Pearson's correlation test there is a significant and positive relationship between the "acceptance of sexual role's stereotypes" and passive reaction to the street harassments. But, the results of multiple regression analysis show that as acceptance of gender role's stereotypes increase, the rate of passive reaction to the street harassments will not increase and people who act based on their sexual role's stereotypes do not have more passive reaction in comparison with the other respondents because those females, who are affected by masculine hegemony in society, have passive reaction toward the street harassments. It seems that believing in the sexual role's stereotypes or not, could not overcome the patriarchal structure.

In addition, it has been concluded that the social learning of passive reaction to street harassment from family, friends and peers, is effective on the passive reaction of females to street harassments. This might be, to some extent, due to complexity of human behaviors especially in regard to sexual affairs. In the other words, female reactions to street harassment might be under the influence of many factors which can't be reduced to factors like observation and imitation. Seemingly,

به علاوه این نتیجه حاصل شده است که میزان یادگیری اجتماعی از خانواده، دوستان و همسالان بر واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی تأثیری ندارد، زیرا رفتار افراد ممکن است تحت تأثیر عوامل فراوانی باشد که نتوان آنها را به عواملی همچون مشاهده و تقلید، تقلیل داد. به نظر می‌رسد بین فرایند یادگیری به‌عنوان گام اولیه برای انجام رفتار، تا وقوع رفتار به‌عنوان مرحله نهایی، عوامل و شرایط گوناگونی می‌توانند به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده مداخله کنند. لذا به نظر می‌رسد در پژوهش حاضر، دخترانی که واکنش‌های منفعلانه نسبت به مزاحمت‌های خیابانی را از خانواده و دوستانشان، به طور ذهنی فراگرفته بودند، در عمل، ممکن بود، رفتار متفاوتی را بسته به شرایط زمانی و مکانی صحنه مزاحمت، از خود نشان دهند.

واژگان کلیدی: مزاحمت خیابانی، واکنش انفعالی، مردسالاری، کلیشه‌های نقش جنسیتی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۱۷

مقدمه

اعمال خشونت علیه انسانها در تمام ادوار تاریخ با شدت و ضعف وجود داشته است. اما زنان و دختران در مقابل خشونت آسیب‌پذیرترند (سروریان، ۱۳۸۳). در تعریفی که مگارژی^۱ ارائه می‌دهد،

1. Megargee

between the learning process- as a first step- and the incidence of behavior -as the final stage-, numerous factors and conditions might intervene as moderate and mediate factors. It seems that in this study, the girls who learnt passive reaction to street harassment from their families and friends mentally, may behave differently depending on the time and place of harassment.

Keywords: Acceptance of gender role's stereotypes, Passive reaction, Street harassments, Women

خشونت به معنای اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخص به قربانی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰). مزاحمت‌های خیابانی و مزاحمت‌های جنسی نوعی خشونت علیه زنان است (فیلبورن، ۲۰۱۳). این مزاحمت‌ها، توسط افراد غربیه، در بیرون از خانواده و در مکان‌های عمومی رخ می‌دهد.

مزاحمت‌های جنسی در مکان‌های کاری و مدارس با مزاحمانی مثل رئیس، همکار، معلم یا همکلاسی صورت می‌گیرد و مزاحم برای قربانی یک فرد شناخته شده است، اما در اشکال دیگر مزاحمت خیابانی که در مکان‌های عمومی (مانند خیابانها، معابر و پارکها) و مکان‌های نیمه عمومی (مانند سینماها، تأترها و رستورانها) اتفاق می‌افتد، که به آنها «مزاحمت جنسی در مکان‌های عمومی»، «مزاحمت خیابانی»، «مزاحمت عمومی» و «مزاحمت بیگانگان» می‌گوییم، مزاحم یک فرد غربیه است (لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد، ۲۰۱۱).

مزاحمت خیابانی عمدتاً متوجه زنان بوده و دارای جنبه جنسی است (رزوارن، ۲۰۰۴). به‌طوریکه بر اساس تعریف گاردنر (۱۹۹۵) مزاحمت‌های خیابانی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی دارای ماهیت جنسی است (مانند توهین کردن، کنایه زدن، فریاد کشیدن، نوازش کردن، خیره شدن و ...) را شامل می‌شوند که معمولاً توسط مردهای غربیه در مکان‌های عمومی یا نیمه عمومی نسبت به زنان اعمال می‌شوند و نمی‌توان آنها را بر اساس سن، قومیت یا طبقه اجتماعی پیش‌بینی کرد (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰).

گرچه توزیع پدیده مزاحمت خیابانی، از یک الگوی اجتماعی- فرهنگی پیروی کرده و ممکن است در نقاط مختلف دنیا به میزانهای متفاوتی رخ دهد، با این حال باید گفت

که خشونت علیه زنان در بین نژادها، جوامع، فرهنگها و مذاهب گوناگون اتفاق می‌افتد (بورتن، ۱۹۹۹). نتایج پژوهشی در کانادا، نشان می‌دهد که مزاحمت خیابانی در مکانهای عمومی‌ای مانند خیابانها، سیستم مسافری شهری و مراکز خرید شایع است. و این مزاحمتها برای ۸۸٪ از زنان نمونه، بیش از ۲ بار اتفاق افتاده بود (لتون و همکاران، ۱۹۹۹). در فرهنگ عمومی آسیای جنوبی نیز، «اذیت کردن دختران»^۱ به‌عنوان یک واسطه ارتباط بین مردان و زنان نمایان می‌شود (ناهار و همکاران، ۲۰۱۳). در سال ۲۰۱۰ بیست و هشت زن یا دختری که در هند خودکشی کرده بودند، به‌صورت مکرر مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار گرفته بودند. (ناهار و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین، در پژوهشی تجربه مزاحمت‌هایی نظیر سد راه عبور شدن، لمس جنسی و توهین جنسی، توسط زنان ساکن استانبول نیز گزارش شده است. ۶۳٪ از زنان، مزاحمت در فضاهای عمومی را دست کم ماهی یک بار، گزارش کرده‌اند (هاتر، ۲۰۱۲). رینهارت و یترا^۲ (۲۰۱۲) و برترام^۳ (۲۰۱۲) نیز، به گزارش این مزاحمتها و ادراک فرد قربانی از این تجربه، پرداخته‌اند. در پژوهشی بین فرهنگی در میان زنان شاغل در پاکستان و امریکا، مرکین و کمال شاه (۲۰۱۴) دریافتند که در مقایسه با زنان آمریکایی، آن دسته از زنان پاکستانی که مورد آزار جنسی قرار گرفته بودند، از رضایت شغلی کمتری برخوردار بوده و جهت نشان دادن واکنش نسبت به مزاحمین، از روشهای غیرمستقیم‌تر استفاده می‌کردند.

یک مطالعه ژاپنی نیز نشان می‌دهد که نزدیک دو سوم زنان در سنین ۲۰ و ۳۰ سالگی‌شان در خودروهای سواری، قطارها و متروهای توکیو، مورد لمس بدنی قرار گرفتند؛ این زنان احساس تحقیر شدن، خوار شدن و ترس را به علت مالیده شدن

-
1. eve teasing
 2. Rinehart and Yeater
 3. Bertram

دست به بدنشان، گزارش کردند (فاریچایلد و رودمن، ۲۰۰۸). مزاحمت‌های خیابانی یکی از مهم‌ترین اشکال فراگیر خشونت مبتنی بر جنسیت در ایالات متحده آمریکا است (لیوینگستون و همکاران، ۲۰۱۳).

در کشور ما نیز، دختران و زنان جوان در هیچ ساعتی از شبانه روز در معابر عمومی و رفت و آمدهای خویش، از شنیدن متلکها و کلمات رکیک جنسی در امان نیستند (حسینی الست، ۱۳۸۵) و برای غالب زنان، هیچ روزی، بدون داشتن مزاحم خیابانی در معابر عمومی سپری نمی‌شود (حسینی الست، ۱۳۸۵). پژوهش‌های انجام شده در برخی از شهرهای کشور، نظیر تهران، مشهد، کرمان، گرگان، شیراز و سنندج حاکی از شیوع مزاحمت‌های خیابانی است. به‌عنوان مثال، در شهر سنندج و در بین افراد با خاستگاه روستایی، ۷۵٪ اظهار داشته‌اند که در موارد بسیاری شاهد شنیدن متلکهای رکیک و حرفهای زشت و رفتارهای غیرعادی نسبت به زنان و به‌ویژه دختران بوده‌اند (سحابی و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین در پژوهشی در بین شهروندان شهر گرگان، ۳۶ درصد از جمعیت نمونه، مزاحمت‌های خیابانی را در بین آسیب‌های اجتماعی شهر گرگان، در سطح شدید گزارش کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۸).

لازم به ذکر است که همه اشکال مزاحمت‌های جنسی به هم مرتبط‌اند و به‌وسیله همان نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی پشتیبانی می‌شوند (فیلبورن، ۲۰۱۳). با این وجود برای مثال، پیامدهای جنسیت‌گرایی در فرهنگهایی مثل افغانستان بسیار وخیم‌تر از آمریکای شمالی است (ماتلین، ۱۳۹۰). در لبنان اگر زنی با شلوار جین تنگ یا دامن کوتاه در حال قدم زدن باشد، مردان او را به‌عنوان یک زن هرزه در نظر می‌گیرند و در جهان عرب، اگر زنی روبند نزده باشد، نیز همچنین. در سوریه نیز، زن برای اتفاقی که می‌افتد، مسئول شناخته می‌شود. او کسی دانسته می‌شود که مرد را از راه به در می‌کند. اگر او لبخند بزند، بخندد یا هر کار دیگری، او مسئول خطا شناخته می‌شود (کیسلینگ،

۱۹۹۱). در کشور ما نیز، نگرش حاکم بر جامعه که مخصوصاً توسط رسانه‌های عمومی نیز به شدت تقویت می‌شود، کاملاً به ضرر زن بوده و در اکثر موارد نوع رفتار زن و مدل پوشش او را در بروز چنین رفتارهایی مؤثر می‌دانند. اصطلاحاتی چون «کرم از خود درخت است» نشانگر توجه منفی جامعه نه به مزاحم و خاطی، بلکه به زن تحت فشار است (قندهاری، ۱۳۸۴).

با توجه به اینکه بخش اعظم تحقیقات انجام شده داخلی و حتی خارجی در حوزه خشونت علیه زنان، به خشونت‌های خانگی اعمال شده توسط شوهران پرداخته‌اند، به موضوع مزاحمت‌های خیابانی و جنسی، توجه کمتری شده و تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است. با وجود انبوهی از اثرات منفی که مزاحمت غریبه‌ها بر روی زنان دارد، روشن است که خلاء در ادبیات این مسأله وجود دارد (فاریچایلد و رودمن، ۲۰۰۸). لذا با توجه به گستردگی مزاحمت‌های خیابانی در فضاهای عمومی جامعه (پارک، خیابان، بازار و وسایل نقلیه عمومی) و خلاء پژوهشی در این زمینه به‌ویژه در داخل کشور و نیز قبح فرهنگی و مذهبی این پدیده در جامعه، پژوهش حاضر قصد دارد تا با مطالعه دانشجویان دختر دانشگاه مازندران به‌عنوان نمونه‌ای از دختران جوان شاغل به تحصیل در فضای دانشگاهی، به بررسی و تحلیل اجتماعی این پدیده، به‌عنوان یک مسأله اجتماعی بپردازد. در این پژوهش، برای اولین بار در داخل کشور، همزمان از سه نظریه فمینیستی رادیکال، جامعه‌پذیری جنسیتی و یادگیری اجتماعی به‌طور ترکیبی، استفاده شده است. مهم‌ترین دلایل به‌کارگیری این سه نظریه به‌طور ترکیبی و همزمان در پژوهش حاضر، آن بوده است که به استناد آن دسته از پژوهش‌های پیشین خارجی که در حوزه مطالعات اجتماعی مربوط به مزاحمت‌های جنسی انجام شده است، هر کدام از این نظریه‌ها از منظر نظری، جزو پرکاربردترین و مرتبط‌ترین نظریه‌ها بوده و با اهداف پژوهش سازگاری بیشتری داشته‌اند و از منظر روشی نیز، سنجش و

اندازه‌گیری عملیاتی متغیرهای حاصل از این نظریه‌ها، برای پژوهشگران، امکان‌پذیرتر بوده است. در این پژوهش، رفتار مزاحمت خیابانی (مزاحمت مردان علیه زنان در فضاهای عمومی)، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و به تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر واکنش‌های انفعالی به مزاحمت‌های خیابانی نیز پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

در این تحقیق از نظریه‌های فمینیستی رادیکال، نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی و نظریه یادگیری اجتماعی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است.

نظریه‌های فمینیستی رادیکال

نظریه‌های فمینیستی، نظریه‌هایی هستند که نشان می‌دهند چگونه تسلط و زیردستی، جنسیت را ایجاد می‌کند و زنان و مردان را در اشکال اجتماعی‌ای که برایمان شناخته شده است، می‌آفریند (کراچ، ۲۰۰۱). هدف اغلب پژوهش‌های رادیکال فمینیستی تحلیل خشونت مردان نسبت به زنان است و پرده‌برداری از این واقعیت که ارزش‌های مردسالارانه و علوم اجتماعی مردمحور، این خشونت را پنهان می‌کنند، کم‌اهمیت جلوه می‌دهند یا گنااهش را به گردن زنان می‌اندازند (کراچ، ۲۰۰۱). علت اصلی نابرابری در این دیدگاه کنترل و تسلط مردان بر زنان است (خسروی و همکاران، ۱۳۸۲). از اینجا، معنای اجتماعی جنسیت و به‌طور خاص فمینیستی از نابرابری جنسیتی، شکل می‌گیرد (کراچ، ۲۰۰۱). از نگاه نظریه‌پردازان ستمگری جنسیتی، وضعیت زنان همان وضعیت تحت سلطه مردان است. الگوی ستمگری جنسیتی به عمیق‌ترین و فراگیرترین شکل در سازمان جامعه رسوخ کرده یک نوع چیدمان بنیادی سلطه را به‌وجود آورده که عموماً پدرسالاری نامیده می‌شود (ریترز و گودمن، ۱۳۹۰).

در فرهنگ سنتی مردسالار، حفظ انحصار عرصه عمومی برای حضور مردان مستلزم تأکید جریانهای جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ بر منع، محدودسازی و ایجاد ترس عمیق در زنان برای حضور کمتر در عرصه مذکور است که تحت لوای ایده حفاظت زنان در برابر خطرات مختلف در محیط بیرون از خانه توجیه می‌شود و با فعال‌سازی جریانهای انسداد و طرد اجتماعی زنان، موجب تبدیل قلمرو عمومی به منبع مهم مخاطره، آسیب و هراس زنان و دختران می‌شود (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱).

از نظر فمینیست‌های رادیکال، آزار جنسی رفتاری عمدی است که توسط مردان انتخاب می‌شود تا مردانگی خود را نشان دهند (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۹۱)، درحالی‌که از زن فرمان بردن و تمکین انتظار می‌رود (محمدی و میرزائی، ۱۳۹۱). در واقع، آزار جنسی روش آنها برای تسلط و کنترل است و این امر به مناسبات رایج درون جامعه مرتبط است (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۹۱).

بنابراین از دیدگاه فمینیست‌های رادیکال، به جای در نظر گرفتن خصوصیات روانی مزاحمان (کاوه، ۱۳۹۱). آزار جنسی باید در بستر قدرت مردان و مقاومت زنان درک شود (فسایی و لاریجانی، ۱۳۹۱) در نهایت این نظریه نشان می‌دهد که مزاحمت‌های جنسی به‌عنوان محصول یک نظام جنسیتی است که به وسیله سلطه و هنجارهای مردانگی حفظ شده است (یوگن و بلکستون، ۲۰۰۴).

نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی

منظور از جامعه‌پذیری جنسیتی، آموزش ارزشهای جنسیتی به افراد است که از بدو تولد، با توجه به جنسیت فرد، صورت می‌گیرد و از آنان نیز انتظار می‌رود مطابق همین ارزشها و هنجارهای پذیرفته شده منطبق با جنسیت خود رفتار کنند. کودکان با مجموعه‌ای از باورهای کلیشه‌ای از رفتارهای مناسب جنسیتی وارد مهد کودک، مدرسه

و دانشگاه می‌شوند و غالباً مدرسه هم این باورها را تقویت کرده و تفاوت‌هایی را در دو جنس، از انتظارات جامعه در زمینه شغل، خانواده و ... در او ایجاد می‌کند (ادهمی و روغنیان، ۱۳۸۸). رسانه‌های همگانی نیز، با نفوذ ویژه خود در بین مخاطبان که گاه در آنان به صورت کاملاً ناخودآگاه است، تأثیرات خود را بر جامعه‌پذیری افراد نهادینه می‌کنند (هومین فر، ۱۳۸۲).

جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری از یک سو و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده، از سوی دیگر می‌تواند در حکم یکی از بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته شود. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی، که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند (آبوت و والاس، ۱۳۸۱).

جامعه‌پذیری جنسیتی عاملی مهم در تولید و بازتولید احساس ناامنی و ترس از محیط بیرون از خانه در میان زنان و دختران جامعه ما است. چراکه فرآیندی است که طی آن، مردان و زنان از ابتدای حیات با ارزشها و هنجارها و گفتمان فرهنگی-اجتماعی مسلط جامعه خود در زمینه فرآیندهای مورد انتظار و مطلوب برای هر جنس آشنا می‌شوند. از این رو، لازم است زنان محدودتر باشند و محتاط‌تر عمل کنند تا آسیب نبینند و نیز آسیب‌زا نباشند. مردان، برعکس زنان، حق استفاده از همه مکانها، زمانها و عرصه‌های اجتماعی گوناگون و انجام اعمال اجتماعی بدون محدودیت را دارند، چون آسیب‌پذیر نیستند و خطری از جانب آنان دیگران را تهدید نمی‌کند (قاضی نژاد و شاکری، ۱۳۹۱).

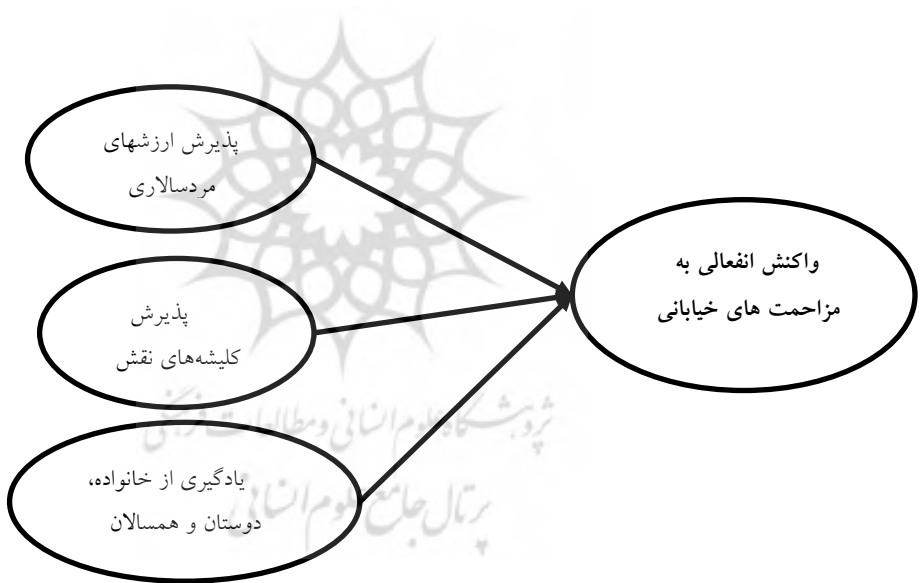
نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر یادگیری که در یک زمینه اجتماعی اتفاق می‌افتد و اینکه مردم چطور از همدیگر یاد می‌گیرند، تمرکز دارد. این نظریه بر روی یادگیری مشاهده‌ای از روی مدل متمرکز است (بتاردز، ۲۰۱۴)، نظریه یادگیری اجتماعی، یکی از نظریه‌هایی است که به جامعه‌پذیری جنسیتی توجه دارد (کرتچمار، ۲۰۰۹). طبق نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان به وسیله تقویت مثبت و منفی رفتارهای مناسب و نامناسب جنسیتی برای خود را یاد می‌گیرند. مثلاً وقتی که یک دختر بچه گریه می‌کند، والدینش او را در آغوش می‌گیرند. این مسئله باعث تقویت این امر می‌شود و باعث می‌شود دختران در آینده هم دوباره گریه کنند. به این شیوه رفتارهای دخترانه و پسرانه یاد گرفته می‌شوند (جوکار و همکاران، ۱۳۹۰).

در حقیقت این پیش فرض که والدین آشکارا میان دختر و پسر فرق می‌گذارند در این نظریه نقش اساسی دارد (گرت، ۱۳۸۲). همچنین یک دختر کوچک با مشاهده مادرش، یاد می‌گیرد که معنای زن بودن چیست، در حالیکه یک پسر با مشاهده پدرش یاد می‌گیرد که معنای مرد بودن چیست. بدین ترتیب، مشاهده و تقلید رفتار بزرگسال همجنس، رفتارهای متناسب با جنس را، به بچه‌ها می‌آموزد (کرتچمار، ۲۰۰۹). بنابراین واکنش به مزاحمت‌های خیابانی، می‌تواند تحت تأثیر شیوه جامعه‌پذیر شدن دختران در کودکی باشد و به علت یادگیری رفتارهای قالبی جنسیتی‌اش، یا ناشی از تقلید از مادر، دوستان، همسالان و ... انجام شود.

وجه مشترک این نظریات در این است که همه آنها جنسیت را ساخته اجتماع می‌دانند و بر ارزشهای مردسالارانه که نسل به نسل، منتقل می‌شوند، تأکید دارند. زنان اینگونه اجتماعی می‌شوند که مطیع و فرمان‌بردار باشند و مردان اینگونه اجتماعی می‌شوند که خشن و سلطه‌جو باشند. آنان خود را محق می‌دانند که از زنان

سوءاستفاده کنند و آنان را مورد مزاحمت‌ها و توهین‌های جنسی قرار دهند و در مقابل زنان، با شرم و سکوت، واکنش نشان می‌دهند. در مجموع، براساس سه نظریه انتخابی فمینیستی رادیکال، جامعه‌پذیری جنسیتی و یادگیری اجتماعی، سه گزاره در رابطه با واکنش انفعالی دختران به مزاحمت‌های خیابانی تنظیم شده که هر یک دلالت بر تأثیر یکی از متغیرهای سه‌گانه پذیرش ارزش‌های مردسالاری، پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی و یادگیری از خانواده، دوستان و همسالان بر این واکنش انفعالی دارد (شکل ۱).



شکل (۱) مدل نظری تحقیق

فرضیات

- با افزایش میزان پذیرش ارزشهای پدرسالارانه توسط دختران، واکنش به مزاحمت‌های خیابانی توسط آنان نیز منفعلانه‌تر می‌شود.
- با افزایش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط دختران، واکنش به مزاحمت‌های خیابانی توسط آنان نیز منفعلانه‌تر می‌شود.
- با افزایش میزان یادگیری رفتارهای منفعلانه به هنگام برخورد با مزاحمین خیابانی (از اعضای خانواده و دوستان) توسط دختران، احتمال انجام واکنشهای منفعلانه نسبت به مزاحمت خیابانی در آنان نیز افزایش می‌یابد.

روش

ماهیت و روش تحقیق

پژوهش حاضر در قالب روش‌شناسی کمی و به روش پیمایش انجام گرفته است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانشجویان دختر دانشگاه مازندران بودند که در نیم سال تحصیلی دوم ۹۳-۹۲، شاغل به تحصیل در پردیس این دانشگاه در شهر بابلسر (۶۳۹۹ نفر) می‌باشند. حجم نمونه مورد نیاز با توجه به فرمول کوکران و با احتمال خطای ۵٪، ۳۶۲ نفر برآورد گردید. نمونه‌گیری در این پژوهش، به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده متناسب و تصادفی ساده انجام گرفته است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. سؤالات بر اساس طیف لیکرت و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، تنظیم شد. با توجه به شیوه نمونه‌گیری تحقیق حاضر (نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده متناسب) و با معین کردن

حجم نمونه‌ها در هر دانشکده، پرسشنامه‌ها به‌طور تصادفی در کلاسهای درس توزیع شد و پس از تکمیل آنها توسط پاسخگویان، در همان مکان جمع‌آوری شد.

اعتبار و پایایی ابزار

برای تعیین اعتبار پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، ابتدا یک پرسشنامه مقدماتی با توجه به تحقیقات پیشین خارجی و داخلی در این زمینه تهیه شد و با تعدادی از اساتید و متخصصان در این مورد مشورت شد و با رفع نقایص آن، این نتیجه حاصل شد که شاخصهای به کار رفته در این پرسشنامه، معرف حوزه معنایی مفاهیم اصلی می‌باشند. بنابراین پرسشنامه پژوهش حاضر، دارای اعتبار محتوی است. همچنین برای سنجش پایایی ابزار و مقیاسهای مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. که این میزان برای واکنش انفعالی به مزاحمت خیابانی ۰/۷۶، پذیرش ارزشهای مردسالاری ۰/۸۱، پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی ۰/۷۸ و یادگیری اجتماعی ۰/۵۵ می‌باشد.

سنجشها

واکنش به مزاحمت خیابانی: زنان و دختران به شیوه‌های گوناگون به مزاحمت‌های خیابانی واکنش نشان می‌دهند. این واکنشها از شرم و سکوت گرفته تا داد و فریاد و استفاده از وسایل دفاعی متغیر هستند. به‌منظور سنجش واکنش نسبت به مزاحمت‌های خیابانی در تحقیق حاضر، آن را به دو بعد انفعالی و فعال تقسیم کردیم. این مقیاس با بهره‌گیری از مقیاسی که توسط فاریچایلد و رودمن (۲۰۰۸) مورد آزمون قرار گرفته است، ساخته شد. برای سنجش مفهوم واکنش انفعالی به مزاحمت‌های خیابانی در پژوهش حاضر، از ۱۸ گویه استفاده شده است. کسب رقم بالاتر نمرات، به معنای پذیرش انفعالی‌تر و سکوت در برابر مزاحمتها است.

ارزشهای مردسالاری: ارزشهای مردسالاری مجموعه ارزشهایی هستند که دایر بر

برتری مردان بر زنان در وجوه گوناگون هستند. برای سنجش مفهوم ارزشهای مردسالاری در تحقیق حاضر، از یک مقیاس ۱۴ گویه‌ای استفاده شد. این مقیاس پیش از این توسط اسماعیلی (۱۳۹۱) و در بین زنان و مردان شهر مریوان، مورد آزمون قرار گرفته است. به علاوه، سه گویه نیز از پژوهش غیائی و کریمی (۱۳۸۸) به مقیاس مذکور اضافه شده است.

از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را به هر یک از گویه‌های مربوط به ارزشهای مردسالاری اعلام نمایند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای گرایش بیشتر به ارزشهای مردسالاری است.

کلیشه‌های نقش جنسیتی: مقصود از میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، میزان باورداشت فرد به برخی عقاید قالبی و کلیشه‌ای درباره ویژگیهای رفتاری و خصوصیات فکری متناسب به مردان یا زنان در جامعه می‌باشد (ریاحی، ۱۳۸۶). برای سنجش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی در تحقیق حاضر، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای استفاده شده است. این مقیاس، پیش از این توسط جوکار و همکاران (۱۳۹۰)، مورد آزمون قرار گرفته است. دو گویه به مقیاس حاضر افزوده شده که از پژوهش ریاحی (۱۳۸۶)، برگرفته شده است.

از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را به هر یک از گویه‌های مربوط به پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی اعلام نمایند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای گرایش بیشتر به پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی است.

یادگیری اجتماعی: پدیده‌های یادگیری عمدتاً ناشی از تجاربی هستند که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار افراد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرد (باندورا، ۱۳۷۲). در

یادگیری اجتماعی، هم به فرآیندهای شناختی و هم به عوامل محیطی توجه می‌شود. در پژوهش حاضر، برای سنجش یادگیری اجتماعی، یک مقیاس ۵ گویه‌ای ساخته شد که با توجه به نکات کلیدی نظریه یادگیری که مشاهده و تقلید از اعضای خانواده، دوستان و همسالان می‌باشد، ساخته شده است. سطح سنجش همه این گویه‌ها ترتیبی بوده است و از پاسخگویان خواسته شد تا به گویه‌ها با گزینه‌های هرگز، خیلی کم، گاهی، زیاد و همیشه پاسخ گویند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای یادگیری بیشتر سکوت (واکنش انفعالی)، توسط دختران است.

یافته‌ها

داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

۱- بافت جمعیتی نمونه

۶۳/۹٪ از پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۲ سال، ۳۱/۸٪ در گروه سنی ۲۳-۲۷ سال و ۴/۲٪ در گروه سنی ۲۸ سال به بالا قرار داشتند. ۸۵/۱٪ از آنان مجرد، ۱۴/۶٪ متأهل و ۰/۳٪ مطلقه بودند. ۷۰/۶٪ در مقطع کارشناسی، ۲۳/۳٪ کارشناسی ارشد، ۵٪ دکتری و ۱/۱٪ کاردانی قرار داشتند. میانگین تحصیلات مادر پاسخگویان ۹/۷۱ سال و تحصیلات پدر ۱۱/۳۱ سال بود. ۵۳/۷٪ از پاسخگویان ساکن خوابگاه دانشجویی بودند. ۳۶/۷٪ با خانواده زندگی می‌کردند. ۷/۱٪ ساکن خانه دانشجویی به صورت انفرادی و ۲/۵٪ نیز ساکن خانه دانشجویی به صورت گروهی بودند. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۲٪) دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی (ترکیب درآمد، تحصیلات و شغل) متوسط، ۴۰/۴٪ دارای پایگاه پایین و ۷/۶٪ دارای پایگاه بالا بودند.

جدول (۱) توزیع پاسخگویان براساس میزان مزاحمت خیابانی در یک سال گذشته

ردیف	میزان تجربه مزاحمت	f	%	% تجمعی
۱	روزی چندین بار	۲۸	۹/۲	۹/۲
۲	روزی یک بار	۱۵	۴/۹	۱۴/۱
۳	دو سه روز یک بار	۳۹	۱۲/۷	۲۶/۸
۴	هفته ای یک بار	۴۳	۱۴/۱	۴۰/۸
۵	دو سه هفته یک بار	۵۱	۱۶/۷	۵۷/۵
۶	ماهی یک بار	۴۰	۱۳/۱	۷۰/۶
۷	دو سه ماه یک بار	۵۰	۱۶/۳	۸۶/۹
۸	شش ماه یک بار	۳۲	۱۰/۵	۹۷/۴
۹	هیچ وقت	۸	۲/۶	۱۰۰
	جمع کل	۳۰۶	۱۰۰/۰	-

۲- تجربه مزاحمت خیابانی توسط دختران

براساس یافته‌های جدول شماره (۱) ۱۶/۷٪ از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در یک سال گذشته، هر دو سه هفته یک بار مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند. همچنین ۱۶/۳٪ از پاسخگویان هر دو سه ماه یک بار، ۱۴/۱٪ هفته‌ای یک بار و ۱۲/۷٪ هر دو سه روز یک بار، در طی یک سال گذشته مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه در این است که تنها ۲/۶٪ پاسخگویان، در یک سال گذشته، هیچ وقت مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند و در مجموع ۷۰/۶٪ پاسخگویان از روزی چندین بار تا ماهی یک بار مورد این مزاحمتها قرار گرفته‌اند.

جدول (۲) گروه سنی مزاحمان و الگوهای مکانی و زمانی مزاحمت

ردیف	گروه سنی مزاحمان	f	%	% تجمعی
۱	کمتر از ۲۰ سال	۷۶	۲۰/۹	۲۰/۹
۲	۲۰-۲۹ سال	۱۶۸	۴۶/۴	۶۷/۳
۳	۳۰-۳۹ سال	۷۰	۱۹/۳	۸۶/۶
۴	۴۰-۴۹ سال	۳۰	۸/۳	۹۴/۹
۵	۵۰-۵۹ سال	۱۴	۳/۹	۹۸/۸
۶	۶۰ سال و بالاتر	۴	۱/۲	۱۰۰
-	جمع کل	۳۶۲	۱۰۰	---
ردیف	محل ایجاد مزاحمت	f	%	
۱	خیابانهای شلوغ	۸۵	۲۴/۱	
۲	خیابانهای خلوت	۶۸	۱۹/۲	
۳	پارکها و فضای سبز	۶۷	۱۸/۹	
۴	مراکز خرید و بازار	۶۰	۱۷/۰	
۵	تاکسی و مسافربرهای شخصی	۴۵	۱۲/۷	
۶	مینی بوس، اتوبوس و مترو	۲۰	۵/۷	
۷	محوطه دانشگاه	۶	۱/۷	
۸	رستوران، فست فود و سالن سینما	۳	۰/۸	
-	جمع کل	۳۵۴	۱۰۰	
ردیف	زمان ایجاد مزاحمت	f	%	
۱	غروبها (ساعت ۱۷ تا ۲۰)	۱۲۴	۳۴/۲	
۲	عصرها (ساعت ۱۴ تا ۱۷)	۸۴	۲۳/۳	
۳	شبها (ساعت ۲۰ تا ۲۴)	۷۸	۲۱/۵	
۴	ظهر (ساعت ۱۱ تا ۱۴)	۵۵	۱۵/۰	
۵	صبحها (ساعت ۶ تا ۱۱)	۲۱	۶/۰	
-	جمع کل	۳۶۲	۱۰۰	

جدول (۳) آزمون تفاوت میانگین واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت خیابانی

متغیر	الگوهای ایجاد مزاحمت	f	M	F	p
زمان ایجاد مزاحمت	صبحها (۶ تا ۱۱ صبح)	۱۴	۴۵/۲	۰/۹۷	۰/۴۲۴
	موقع ظهر (۱۱ تا ۲)	۵۳	۴۷/۸		
	عصرها (۲ تا ۵)	۷۰	۴۶/۰		
	غروبها (۵ تا ۸)	۱۴۸	۴۷/۲		
	شبها (۹ تا ۱۲)	۵۰	۴۹/۱		
مکان ایجاد مزاحمت	خیابانهای شلوغ	۱۲۰	۴۳/۶	۰/۸۳	۰/۵۴۴
	خیابانهای خلوت	۷۴	۴۲/۶		
	پارکها و فضای سبز	۴۰	۴۷/۰		
	مراکز خرید و بازار	۳۴	۴۵/۷		
	تاکسی و مسافربرهای شخصی	۵۳	۴۴/۳		
	مینی بوس و اتوبوس و مترو	۲۲	۴۷/۴		
سن افراد مزاحم	زیر ۲۰ سال	۶۰	۴۵/۲۷	۱/۲۹	۰/۲۷۳
	۲۰ تا ۲۹ سال	۲۴۲	۴۷/۱۹		
	۳۰ تا ۳۹ سال	۱۸	۴۹/۶۷		
	۴۰ تا ۴۹ سال	۱۰	۵۰/۷۴		
	۵۰ تا ۵۹ سال	۲	۴۸/۳۳		

۳- الگوهای ایجاد مزاحمت

مطابق داده‌های جدول شماره (۲) و بر اساس گزارش دختران دانشجوی، بیش از دوسوم مزاحمتها (۶۷/۳٪) توسط مردان زیر ۳۰ سال انجام شده است. از این میزان (۴۶/۴٪) توسط مردان واقع در سنین ۲۹-۲۰ سال و (۲۰/۹٪) توسط مردان زیر ۲۰ سال ایجاد شده است. همچنین، به لحاظ مکان وقوع مزاحمت، بیشترین مزاحمتها با مجموع ۷۹/۲٪ به ترتیب در خیابانهای شلوغ و خلوت (۴۳/۳٪)، پارکها (۱۸/۹٪) و مراکز خرید (۱۸/۹٪) رخ داده‌اند. در مجموع، اکثر مزاحمتها (۷۹٪) به لحاظ زمانی در محدوده ساعات بعد از ظهر و شب (ساعت ۱۴ تا ۲۴) اتفاق می‌افتد و تنها ۲۱٪ از مزاحمین، در ساعات ۶ صبح تا ۱۴ به ارتکاب مزاحمت می‌پردازند.

۴- آزمون تفاوت میانگین واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی

طبق یافته‌های جدول شماره (۳)، تفاوت میانگین واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی بر حسب هیچ یک از الگوهای مزاحمت (سن مزاحمان، مکان و زمان ایجاد مزاحمت) معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر، گرچه میانگین میزان واکنش انفعالی دخترانی که مورد مزاحمت قرار گرفته بودند در شبها و مواقع ظهر، در وسایل نقلیه عمومی و پارکها و نیز در برابر افراد مسن‌تر ارقام بالاتری را نشان داده و حاکی از سکوت بیشتر در برابر مزاحمتی است که به این اشکال انجام شده است، با این حال این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. بدین معنی که به نظر می‌رسد سکوت یا اعتراض دختران به مزاحمت‌های خیابانی، ارتباط معناداری با ویژگی‌های مزاحمین و الگوهای زمانی و مکانی مزاحمت ندارد.

۵- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های

خیابانی

جدول شماره (۴) آزمون همبستگی متغیرهای مستقل با واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت خیابانی

واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی			متغیرهای مستقل
N	p	r	
۳۴۳	۰/۲۵۱	۰/۰۳۶	یادگیری اجتماعی
۳۱۵	<۰/۰۰۰۱	۰/۲۶۱**	پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی
۳۱۵	<۰/۰۰۰۱	۰/۳۱۱**	پذیرش ارزشهای مردسالاری

جدول شماره (۵) نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی

همبستگی			p	t	β	B	متغیرهای مستقل
نیمه تفکیکی	تفکیکی	مرتب‌ه صفر					
۰/۳۲۶	۰/۳۲۶	۰/۳۲۶	<۰/۰۰۰۱	۵/۶۰۷	۰/۳۲۶	۰/۰۱۷	پذیرش ارزشهای مردسالاری
۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۰/۲۲۳	۱/۲۲۲	۰/۱۱۰	-	پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی
-۰/۴۵	-۰/۴۵	-۰/۴۵	۰/۴۶۴	-۰/۷۳۳	-۰/۰۴۳	-	یادگیری اجتماعی
$R=۰/۳۲۶$		$R^2=۰/۱۰۶$	$R^2_{Adj}=۰/۱۰۳$			$F=۳۱/۴۳۵$	$p<۰/۰۰۱$

بر طبق یافته‌های جدول شماره (۴)، متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری با ضریب همبستگی ۰/۳۱۱ و متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با ضریب همبستگی ۰/۲۶۱ در سطح اطمینان ۹۹٪ با متغیر واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی همبستگی مثبت دارد. بنابراین به نظر می‌رسد زنان و دخترانی که ارزش‌های مردسالاری و کلیشه‌های نقش جنسیتی بیشتری را پذیرفته‌اند، در هنگام مواجهه با مزاحمت‌های خیابانی واکنش انفعالی‌تری از خود نشان می‌دهند.

۶- پیش‌بینی‌های واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی

در این تحقیق از رگرسیون خطی چندگانه با روش گام‌به‌گام برای پیش‌بینی نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی واکنش انفعالی زنان نسبت به مزاحمت‌های خیابانی استفاده شد که نتایج نشان داد از بین سه متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری، پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی و یادگیری اجتماعی، فقط متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری در پیش‌بینی واکنش‌های انفعالی زنان نسبت به مزاحمت‌های خیابانی نقش دارد و دو متغیر دیگر فاقد این اثرند ($\beta=0/326, p<0/01$). در ضمن، پذیرش ارزش‌های مردسالاری توانسته است ۱۰/۶٪ از تغییرات این واکنش انفعالی زنان نسبت به مزاحمت‌های خیابانی را تبیین کند.

بحث

یافته‌های این تحقیق نشان داد در مجموع ۷۰/۶٪ پاسخگویان از روزی چندین بار تا ماهی یک بار مورد این مزاحمت‌ها قرار گرفته‌اند و تنها ۲/۶٪ پاسخگویان، در یک سال گذشته، هیچ‌وقت مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند. بیش از دو سوم مزاحمت‌ها (۶۷/۳٪) توسط مردان دارای سن کمتر از ۳۰ سال به ترتیب ذیل آمده است، مردان مزاحم واقع در

سنین ۲۹-۲۰ سال (۴/۴۶٪) و نیز زیر ۲۰ سال (۹/۲۰٪) ایجاد شده است. با وجود اینکه زنان و دختران در هر سنی، در هر مکانی و در همه ساعات شبانه روز، در معرض خطر مزاحمت‌های خیابانی قرار دارند، با این حال به لحاظ مکان وقوع مزاحمت، بیشترین مزاحمتها با مجموع ۷۹/۲٪ به ترتیب در خیابانهای شلوغ و خلوت (۳/۴۳٪)، پارکها (۹/۱۸٪) و مراکز خرید (۹/۱۸٪) رخ داده‌اند و اکثر مزاحمتها (۷۹٪) به لحاظ زمانی در محدوده ساعات بعد از ظهر و شب (ساعت ۱۴ تا ۲۴) اتفاق می‌افتد، اما بر طبق یافته‌های این پژوهش، سکوت و یا اعتراض دختران به مزاحمت‌های خیابانی، ارتباط معناداری با ویژگی‌های مزاحمین و الگوهای زمانی و مکانی مزاحمت ندارد.

فرضیه اول این تحقیق مدعی است با افزایش میزان پذیرش ارزشهای پدرسالارانه توسط زنان و دختران، واکنش به مزاحمت‌های خیابانی توسط آنان نیز منفعلانه‌تر می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمونهای آماری، این فرضیه مورد تأیید واقع شده است؛ بدین معنی که طبق آزمون همبستگی پیرسون و نتایج تحلیل رگرسیونی، میزان پذیرش ارزشهای مردسالارانه توسط زنان و دختران بر واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی مؤثر است. به عبارتی، با افزایش میزان پذیرش ارزشهای مردسالارانه توسط زنان و دختران، واکنش انفعالی به مزاحمت‌های خیابانی توسط آنان نیز افزایش می‌یابد و با در نظر گرفتن اثرات سایر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به‌طور همزمان، تأثیر این متغیر همچنان باقی مانده است.

این نتایج همسو با نظریه فمینیسم رادیکال است. این نظریه بر چگونگی نظارت مردان بر زنان و همچنین بکارگیری خشونت علیه آنان تأکید می‌ورزد (اعزازی، ۱۳۸۰). در این راستا واکنش انفعالی زنان نسبت به مزاحمت‌های خیابانی به علت پذیرش یک ساختار مردسالار که ارزشهای خود مبنی بر برتری مردان را دیکته می‌کند، است. زیرا در صورت واکنش فعالانه زنان به این مزاحمتها، در بهترین حالت خشونت،

جزئی و کم اهمیت دانسته شده و در بدترین حالت همدستی زن در آن مفروض گرفته می‌شود (شفیلد، ۱۳۸۰). این یافته با نتایج تحقیق شفیلد (۱۳۸۰) و قندهاری (۱۳۸۴) مطابقت دارد. بنابر یافته‌های شفیلد همه وجوه ایدئولوژی برتری جویانه مردانه، توجیهی است برای تروریسم جنسی تا زنان را بر جای خود نشانده و نظام لایه‌بندی جنسیتی مردسالارانه را ورای زمان و مکان مستحکم کند. قندهاری نیز عکس‌العمل زنان را در رابطه با متلک‌های جنسی، سکوت و بی‌محلی می‌داند و آنرا نشان از سرکوب زنان در یک نظام مردسالار می‌داند.

فرضیه دوم دلالت بر آن دارد که با افزایش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط زنان و دختران، واکنش به مزاحمت‌های خیابانی توسط آنان نیز منفعلانه‌تر می‌شود. بر طبق یافته‌های تحقیق حاضر، این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفته است؛ بدین معنی که گرچه طبق آزمون همبستگی پیرسون، متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی با متغیر واکنش به مزاحمت‌های خیابانی همبستگی معنادار دارد، ولی نتایج تحلیل رگرسیون، نشان داد که میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط زنان و دختران بر واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی تأثیری ندارد و با افزایش پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی، میزان واکنش انفعالی نسبت به مزاحمت‌های خیابانی، افزایش نمی‌یابد. برای طرح این فرضیه، از نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی استفاده شده است. فرآیندهای محدودیت‌پذیری، نظارت اجتماعی و حتی شخصی بر رفتار و تعامل، پذیرش ناتوانی و آسیب‌پذیری بیشتر در زنان نسبت به مردان، مورد توجه صاحب‌نظران رویکرد جامعه‌پذیری جنسیتی است (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱). با این حال، فرضیه مستخرج از این نظریه در تحقیق حاضر، مورد تأیید قرار نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد دختران جوان دانشجوی، علیرغم پذیرش نسبی برخی از کلیشه‌های نقش جنسیتی در فرایند جامعه‌پذیری، این کلیشه‌ها را تا آن حد که بتواند در زمینه نوع

واکنش نسبت به مزاحمت‌های جنسی تأثیرگذار باشد، درونی نکرده‌اند. به عبارت دیگر، نوعی پذیرش سطحی و عادت گونه نسبت به برخی کلیشه‌های نقش جنسیتی - که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند- در بین دختران جوان دیده می‌شود که نتوانسته است مانع شکل‌گیری واکنش‌های فعال و در عوض، بروز واکنش منفعلانه نسبت به مزاحمتها گردد. از این‌رو، این دختران، علیرغم پذیرش ذهنی این کلیشه‌ها، در دنیای عینی و واقعی به گونه‌ای متفاوت عمل کرده‌اند که خود می‌تواند حاکی از نوعی شکاف یا تأخر فرهنگی در این زمینه نیز باشد.

طبق فرضیه سوم با افزایش میزان یادگیری رفتارهای منفعلانه به هنگام برخورد با مزاحمین خیابانی (از اعضای خانواده و دوستان) توسط زنان و دختران، احتمال انجام واکنش‌های منفعلانه نسبت به مزاحمت خیابانی در آنان نیز افزایش می‌یابد. اما بر اساس نتایج بدست آمده از آزمونهای آماری، این فرضیه نیز مورد تأیید قرار نگرفته است و میزان یادگیری رفتارهای منفعلانه تأثیری بر انجام واکنش‌های منفعلانه از جانب زنان و دختران ندارد. این یافته، تأییدکننده نظریه یادگیری اجتماعی نیست. در نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان در فرآیند رشد، تشویق می‌شوند رفتاری را انجام دهند که با جنسیت آنها همخوان باشد (ماتلین، ۱۳۹۰) و افراد با مشاهده و تقلید از دیگرانی که برایشان مهم هستند، به یادگیری و انجام رفتار می‌پردازند. بر این اساس واکنش به مزاحمت‌های خیابانی نیز ممکن است تحت تأثیر فرآیندهای تقلید و یادگیری صورت پذیرد. راجع به علل احتمالی عدم تأیید فرضیه مذکور، می‌توان چنین گفت که رفتار هر شخص، به‌عنوان محصول نهایی و عنصر عینی و قابل مشاهده عملکرد هر فرد، حاصل مجموعه متعددی از عوامل فردی و اجتماعی به‌طور هم زمان و در زمان است که یادگیری، تنها مقدمه‌ای برای شکل‌گیری و یا تغییر یک رفتار محسوب می‌شود. بین فرایند یادگیری به‌عنوان گام اولیه برای انجام رفتار، تا وقوع رفتار به‌عنوان مرحله نهایی، عوامل و

شرایط گوناگونی می‌توانند به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده (تسهیل یا ممانعت از وقوع رفتار)، مداخله نمایند. لذا به‌نظر می‌رسد در پژوهش حاضر، گرچه دخترانی که واکنش‌های منفعلانه نسبت به مزاحمت‌های خیابانی را از خانواده و دوستانشان، به‌طور ذهنی فرا گرفته بودند اما در عمل، ممکن بود به‌عنوان کنش‌گرانی مختار، رفتار متفاوتی را بسته به شرایط زمانی و مکانی صحنه مزاحمت، از خود نشان دهند.

پایان سخن این که پژوهش حاضر، واکنش‌های انفعالی دختران و زنان نسبت به مزاحمت‌های خیابانی را ناشی از استیصال آنان در مقابل «فراوانی وقوع و شیوع مزاحمت‌های خیابانی» و تجربه روزمره آنان از چنین مزاحمت‌های می‌داند که خود ناشی از جامعه‌ای مردسالار است. در بطن چنین فرهنگ مردسالارانه‌ای، زنان به‌عنوان قربانیان آسیب‌دیده این نوع رایج از خشونت علیه زنان و مزاحمت‌های خیابانی و جنسی توسط مردان، سعی دارند تا با نادیده‌انگاری و بی‌توجهی انتخابی، صدمه و آزاری را که هر روز تکرار می‌شود کم اهمیت جلوه داده و به مسیر پیش رو، خوش‌بین باقی بمانند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- آبوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ادهمی، ع. ر. و روغنیان، ز. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده (مطالعه موردی: زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر همدان). *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره چهارم، ۱۲۷-۱۴۳.
- اسماعیلی، و. (۱۳۹۱). *بررسی اثرات ساختارهای اجتماعی و فرآیندهای یادگیری بر نگرش به قتل‌های ناموسی (مطالعه موردی شهر مریوان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی: زنان کتک خورده*. تهران: نشر سالی.
- ایمان، م. ت، یوسفی، ا. و حسین‌زاد، م. (۱۳۹۰). زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۲، ۶۳-۹۳.
- باندورا، آ. (۱۳۷۲). *نظریه یادگیری اجتماعی*. ترجمه فرهاد ماهر، شیراز: راهگشا.
- جوکار، ف. طاهری، ز. و پورنجف، ح. (۱۳۹۰). بررسی نگرش دانش آموزان دختر و پسر نسبت به نقش جنسیتی خود و جنس مخالف. *پژوهش پرستاری*، دوره ۶، شماره ۲۳، ۶-۱۴.
- حسینی الست، ع. (۱۳۸۵). *هویت گمشده زن ایرانی در گذر از سنت به مدرنیته*. قم: اندیشه ماندگار.
- ریاحی، م. ا. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش‌های جنسیتی جوانان استان مازندران. *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۶۹-۱۹۱.
- ریتزر، ج. و گودمن، د. جی. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سحابی، ج. فیضی، ع. و صمدی بگه جان، ج. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنج. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره سوم، ۱۵۵-۱۸۲.
- سروریان، م. ک. (۱۳۸۳). *خشونت علیه زنان در فرانسه و آمریکا، کتاب زنان*، سال ششم، شماره ۲۳، ۳۰۱-۳۲۳.

- شفیلد، ک. جی. (۱۳۸۰). *تروریسم جنسی، مهار اجتماعی زنان*. ترجمه فرخ قره داغی، مجموعه مقالات، گردآورنده نوشین احمد خراسانی، تهران: نشر توسعه، جلد ۱۰، ۶۳-۷۵.
- صادقی فسایی، س. (۱۳۸۵). ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه حل‌های کاهش آن در عسلویه. *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۱۹-۱۴۶.
- صادقی فسایی، س. و لاریجانی، م. (۱۳۹۱). آزار جنسی در محیط کار، تهدیدی بر امنیت اجتماعی. *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، ۸۷-۱۱۱.
- غیائی، پ. و کریمی، ح. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش مردان به مشارکت در تنظیم خانواده. *زن و مطالعات خانواده*، سال اول، شماره چهارم، ۱۱۵-۱۵۸.
- قاضی‌نژاد، م. و شاکری، ف. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل جامعه شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی). *مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲، ۲۰۲-۱۸۱.
- قندهاری، پ. (۱۳۸۴). مزاحمت‌های جنسی در ایران. *فصل زنان*، سال اول، دوره پنجم، ۱۲۲-۱۳۲.
- کار، م. ا. (۱۳۸۱). *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کاوه، م. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماریهای اجتماعی (جلد دوم)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کلانتری، م.، قزلباش، س. و حجی ملایری، پ. (۱۳۸۸). تحلیل فضایی و پهنه بندی جرایم شهری زنجان با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS (مورد مطالعه: بزه ایجاد مزاحمت خیابانی). *فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس*، سال اول، شماره دوم، ۱۳۳-۱۴۹.
- گرت، ا. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتابیون بقایی، چاپ دوم، تهران: نشر دیگر.
- لهسایی‌زاده، ع. ع. و بوسفی نژاد، ا. (۱۳۸۹). رابطه بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز. *جامعه‌شناسی*، شماره پنجم، دوره دوم، ۱۴۷-۱۳۳.

- ماتلین، م. د. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی زنان*. ترجمه شهناز محمدی، تهران: نشر روان.
- محسنی، ر. ع. (۱۳۸۸). اولویت بندی آسیبها و مسائل شهری در ایران: مطالعه موردی شهر گرگان. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره سوم، ۲۳-۴۲.
- محمدی، ف. و میرزائی، ر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر). *مطالعات اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره ۱، ۱۱۵-۱۲۹.
- Bertram, C. (2012). Girls Resisting Gender Violence on the Streets and in Schools. *Sex Roles*, 66, 296-298.
- Bethards, M. (2014). *Applying Social Learning Theory to the observer Role in Simulation*. Clinical Simulation in Nursing, 10, 65-69.
- Burton, N. (1999). *Tools Not Rules: Cultivating Practices of Resistance to and Prevention of Sexualized Violence*. Unpublished dissertation, Toronto, University of Toronto.
- Crouch, M. A. (2001). *Thinking about Sexual Harassment: A Guide for Perplexed*. New York: University Press Oxford.
- Fairchild, K. & Rudman, L. A. (2008). Everyday Harassment and Women's Objectification. *Soc Just Res*, 21, 338-357.
- Fileborn, B. (2013). *Conceptual Understandings and Prevalence of Sexual Harassment and Street Harassment*. Australian Institute of Family Studies, 1-12.
- Hunter, M. (2012). Street Harassment in Istanbul, available on: <http://www.hollaback.org> (29 November 2013).
- Kissling, E. A. (1991). Street Harassment: The Language of Sexual Terrorism. *Discourse & Society*, Vol. 2 (4), 460-451.
- Kretchmar, J. (2009). Gender Socialization, available on: <http://vidaka.Home.mruni.eu> (27 December 2013).
- Lenton, R., Smith, M. D., Fox, J. & Morra, N. (1999). Sexual Harassment In Public Places: Experiences of Canadian Women. *Canadian Review of Sociology/Revue canadienne de sociologie, Crsa/Rcsa*, 36 (4), 517-540.
- Livingston, B. A., Wagner, K. C., Diaz, S. T. & Lu, A. (2013). *The Experience of Being Targets of Street Harassment in NYC: Preliminary Findings From Qualitative Study of a Sample of 223 Voice Who Hollaback!*. The worker institute at Cornell Equality at Work, 1-6.
- Merkin, R. S. & Kamal Shah, M. (2014). *The impact of sexual harassment on job satisfaction, turnover intentions, and absenteeism: findings from Pakistan compared to the United States* Springer Plus, 3, 215.
- Nahar, P., van Reeuwijk, M. & Reis, R. (2013). Contextualizing Sexual Harassment of Adolescent Girls in Bangladesh. *Reproductive Health Matters*: 21 (41), 86-78.

- Rinehart, J. K. & Elizabeth, A. Y. (2012). The Effects of Male Attractiveness and Sexual Attitudes on Women's Risk Perception. *Violence Against Women* 18 (3), 249-263.
- Rosewarne, L. (2004). Visual Terror: Graffiti and Outdoor Advertising as Street Harassment. Australasian Political Studies Association, Conference Proceeding. University of Adelaide. Retrieved 21 April, 2007. <http://www.adelaid.edu.au>
- Uggen, Ch. & Blackstone, A. (2004). Sexual Harassment as a Gendered Expression of Power. *American Sociological Review*, Vol. 69, 64-92.
- www.vidaka.Home.mruni.eu (27 December 2013).
- www.Ihollabac.k.org (29 November 2013).

